

روش شناسی های گوناگون چگونگی شکل گیری الگوهای تعیین قیمت و میزان عرضه و تقاضا برای نفت را موشکافانه مورد بررسی قرار دهند.

برخی از تحولات صورت گرفته در شکل الگوها به صورت تجدید نظر در الگوهای قبلی و برخی دیگر به صورت ارائه و پردازش افکار و اندیشه های جدید است. نویسندگان در ابتدا یک بررسی کوتاه و درعین حال جامع

الگوهای بازار نفت

Jacques Cremer and Djavad Salehi-Isfahani. *Models of the Oil Market*. Chur: Harwood Academic Publishers, 1991, 106 pages.

از تحولات و وقایع ۲۰ سال گذشته در بازار نفت ارائه می دهند. در ادامه، پس از ارائه انواع الگوهای موجود در بازار نفت و تفکیک کاملاً عالمانه آن به دو شکل مرسوم و غیر مرسوم و یا به عبارت دیگر الگوهایی که در بازارهای نفتی به صورت تجربی مورد استفاده قرار می گیرد و الگوهایی که به علت پیچیدگی های خاص خود و عدم تطبیق آنها با شرایط واقعی جهان (غیر مرسوم) کاربرد عملی ندارند، بحث خود را دنبال می کنند.

الگوهای بازار نفت چهل و چهارمین کتاب از سری کتابهای بنیانهای اقتصاد خالص و کاربردی است. کتاب مذکور شامل یک مقدمه و ۸ فصل است. هدف از نشر این کتاب تنظیم یک دایرة المعارف اقتصادی است که کلیه زمینه های این علم را در چارچوبی نظری و تاریخی دربر می گیرد. در این کتاب نویسندگان سعی دارند با یک بررسی کوتاه و اجمالی و درعین حال کامل الگوهای موجود برای بازار نفت را مورد بررسی قرار دهند. در مقدمه کتاب آمده است که اقتصاددانان با توجه به نظریه ها و

در بخش بعدی کتاب، دو فصل به الگوهای شبیه سازی یا الگوهایی که به علت کاربرد دقیق تر مباحث ریاضی شکل غامض تری بخود گرفته اند، اختصاص یافته است. در پایان، نویسندگان پس از ارائه برخی اشکال الگوهای اقتصادسنجی که به طور همزمان در طرف عرضه و تقاضا در بازار

نفت و در تعیین قیمت و مقادیر عرضه و تقاضای تعادلی نفت مؤثر هستند، کتاب را با یک نتیجه گیری کوتاه به پایان می‌رسانند.

به طور کلی، اقتصاد و اقتصاد سیاسی نفت از مقولات بسیار عمده و پیچیده در طول نیمه دوم قرن بیستم بوده است. از اواخر قرن هیجدهم و آغاز قرن نوزدهم تا زمان حاضر انقلابهای صنعتی متعددی در جهان به وقوع پیوسته که هر یک از آنها سبب ترقی و تعالی کشور یا گروهی از کشورها شده است. در قرن هیجدهم، با اختراع ماشین بخار و استفاده از سایر اشکال انرژی، بجز نیروی انسانی، تحولی بنیادی در صنایع کشورهای پیشگام توسعه، بریژه بریتانیا، رخ داد. بریتانیا به عنوان پیشگام انقلاب صنعتی توانست با بکارگیری نیروی بخار تحولی در صنایع خود، بریژه صنعت نساجی و راه آهن، ایجاد کند. سپس، در اوایل قرن بیستم ایالات متحده آمریکا با انقلاب در صنعت اتومبیل سازی و استفاده از انرژی جدیدی به نام نفت و مشتقات آن و سپس در اواسط همین قرن با گسترش صنایع و کالاهای الکتریکی کاربرد نوع جدیدی از انرژی (انرژی الکتریکی) را توسعه داد.

نکته قابل توجه آنکه در هر دو انقلاب صنعتی نفت نقش اساسی داشت؛ چرا که از

یک طرف مستقیماً عامل حرکت بود و از طرف دیگر به طور غیر مستقیم در تولید برق و نیروی الکتریسیته دخالت داشت. به طور همزمان، در اوایل دهه ۶۰ با شروع تحول در صنایع شیمیایی و پتروشیمی، نفت نه تنها به عنوان یک ماده انرژی زا، بلکه به عنوان یک ماده اولیه که می‌توانست مشتقات و محصولات فرعی گوناگون داشته باشد، مطرح شد. نفت بشدت تقاضا برای سایر مواد اولیه از قبیل کائوچوی طبیعی، پنبه، پشم، آهن، روی ... را تحت تأثیر قرار داد. هر چند اوپک به عنوان یک کارتل در ابتدا به دلیل متصل بودن عملیات بالا دستی و پایین دستی نفت و انحصار آن از سوی شرکتهای بزرگ نفتی نقشی در بازار نفت نداشت، اما کاملاً مشخص بود که با رواج استفاده از نفت خام در فعالیتهای متعدد و گوناگون اقتصادی جرگه ای لازم است تا اوپک خود را بشناساند. در حالی که در مرحله اول، قیمت گذاری نفت و مشتقات آن با یک طرف عرضه سهمیه بندی شده، با توجه به نیازهای طرف تقاضا، تعیین می‌شد، در مرحله دوم که از دهه ۷۰ و همگام با استفاده دوگانه از نفت (به عنوان ماده اولیه و ماده انرژی زا) آغاز شد، شکل پیچیده تری یافت و نظریه های کارتل بودن اوپک و نقش مؤثر طرف عرضه

در تعیین قیمت نفت شکل گرفت.

طی سالهای دهه ۸۰ با شروع انقلاب الکترونیک و رواج استفاده از انواع مختلف دیگر انرژی نقش نفت کاهش یافت، به طوری که نسبت یک به یک قبلی (یک درصد رشد اقتصادی و یک درصد افزایش تقاضا برای نفت) تخفیف یافت. اما کماکان نفت به عنوان ماده اولیه و عامل ایجاد و انتخاب استراتژی جایگزین صادرات برای کشورهای صادر کننده باقی ماند. در این دوره، اوپک از موضع تولید کننده اصلی و عرضه کننده عمده نفت خام عقب نشست و به تولید کننده پسمانه و متعادل ساز در بازار نفت مبدل شد، به طوری که مانده تقاضا، پس از عرضه نفت از سوی کشورهای غیر اوپک، را تأمین کرد. در این دوره، الگوهای اقتصادسنجی مانند حداکثر کننده درآمد، انرژی های جانبی و به دنبال آن الگوهای شبیه سازی مورد استفاده قرار گرفت. کتاب بخوبی توانسته است روند تکاملی بازار نفت را از آغاز تا کنون مورد بررسی قرار دهد، هرچند از بعد تاریخی دچار کمبودهایی است.

مرتضی قره باغیان

گروه اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

جوامع نیرومند و دولتهای ضعیف: روابط دولت و جامعه و توانایی های دولت در جهان سوم

Joel Migdal, *Strong Societies and Weak States: State- Society Relations and State Capabilities in the Third World.*
Princeton, New Jersey: Princeton University Press, 1988, 296 pages.

کتاب جوامع نیرومند و دولتهای ضعیف: روابط دولت و جامعه و توانایی های دولت در جهان سوم در زمره آثار روبه افزایشی است که به تازگی از چشم انداز روابط جامعه و دولت نوشته شده اند. پرستی که نویسنده از این مبحث گسترده برمی گزیند این است که چرا در جهان سوم برخی دولتها موفقیت بیشتر و برخی توانایی کمتری در تحقق بخشیدن به آرمانهای رهبران خود داشته اند. بنابراین، در کتاب از یکسو درباره توانایی ها و ناتوانی های دولت در ترغیب مردم برای اجرای خواستههای حکام بحث می شود و از سوی دیگر، تأثیرات محدود کننده ساخت جامعه بر توانایی های دولت مورد بررسی قرار می گیرد. همه دولتها در برخی زمانها و